من ضِمام بن ثَعلبه از (قبیلۀ) بنی سعد بن بکر هستم

از انس بن مالک رضی الله عنه راویت است که می‌گوید: درحالی‌که همراه پیامبر صلی الله علیه وسلم در مسجد نشسته بودیم، مردی سوار بر شتری وارد شد و آن را در مسجد نشاند و سپس آن را بست و گفت: کدامیک از شما محمد است؟ و پیامبر صلی الله علیه وسلم که در میان آنها تکیه داده بود. گفتیم این مرد سفید که تکیه داده است. پس آن مرد به پیامبر گفت: ای فرزند عبدالمطلب. پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «قد أجبتك»: «پاسخت می‌گویم». آن مرد به پیامبر صلی الله علیه وسلم گفت: من از تو می‌پرسم و در پرسش بر تو سخت می‌گیرم، پس از من بر دل مگیر. پیامبر فرمود: «سل عما بدا لك»: «در هر مورد می‌خواهی بپرس». گفت: تو را به پروردگارت و پروردگار کساني که قبل از تو بوده‌اند، سوگند می‌دهم، آیا الله تو را به سوی همۀ مردم فرستاده است؟ فرمود: «اللهم نعم»: «به خدا سوگند، چنین است». وی گفت: تو را به الله سوگند می‌دهم، آیا الله تو را امر کرده که پنج نماز در شبانه روز بخوانیم؟ فرمود: «اللهم نعم»: «به خدا سوگند، چنین است». وی گفت: تو را به الله سوگند می‌دهم، آیا الله تو را امر کرده که این ماه از سال را روزه شویم؟ فرمود: «اللهم نعم»: «به خدا سوگند، چنین است». وی گفت: تو را به الله سوگند می‌دهم، آیا الله تو را امر کرده که این صدقه را از ثروتمندان خود بگیریم و در میان فقرای خود توزیع کنیم؟ پس پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «اللهم نعم»: «به خدا سوگند، چنین است». آن مرد گفت: به آنچه آورده‌ای ایمان آوردم و من فرستادۀ قوم خود در پشت سرم هستم؛ من ضِمام بن ثَعلبه از (قبیلۀ) بنی سعد بن بکر هستم.

[صحیح است] [بخاری و مسلم در روایت آن اتفاق دارند]

انس بن مالک رضی الله عنه خبر می‌دهد که: باری که صحابه همراه پیامبر صلی الله علیه وسلم در مسجد نشسته بودند، ناگهان مردی سوار بر شتر وارد شد، پس شترش را نشاند و آن را بست، سپس از آنان پرسید: کدامیک از شما محمد است؟ و پیامبر صلی الله علیه وسلم میان مردم نشسته بود. پس گفتیم: این مرد سفید که تکیه زده است. پس آن مرد به او گفت: ای فرزند عبدالمطلب! پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: سخنانت را می‌شنوم، بپرس تا پاسخ دهم. آن مرد خطاب به پیامبر صلی الله علیه وسلم گفت: من از تو می‌پرسم و در پرسش سخت می‌گیرم، پس از من دلگیر و ناراحت نشو. یعنی: بر من خشم نگیر و دلتنگ نشو. فرمود: از هر چه می‌خواهی بپرس. گفت: تو را به پروردگارت و پروردگار کسانی که قبل از تو بوده‌اند، سوگند می‌دهم، آیا الله تو را به سوی مردم فرستاده است؟ فرمود: سوگند به الله چنین است؛ و برای تاکید بر درستی سخنش چنین فرمود. آن مرد گفت: أنشدك بالله، یعنی تو را به الله سوگند می‌دهم، آیا الله تو را امر کرده که نمازهای پنجگانه را در شبانه روز به جا بیاوریم؟ یعنی نمازهای فرض. فرمود: سوگند به الله چنین است. گفت: تو را به الله سوگند می‌دهم، آیا الله تو را امر کرده تا این ماه از سال را روزه شویم؟ یعنی ماه رمضان. فرمود: سوگند به الله چنین است. گفت: تو را به الله سوگند می‌دهم، آیا الله تو را امر کرده که این صدقه را از ثروتمندان خود بگیریم و در میان فقرای خود توزیع کنیم؟ یعنی زکات. پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: سوگند به الله چنین است. آنگاه ضمام مسلمان شد و به پیامبر صلی الله علیه وسلم خبر داد که قومش را به اسلام دعوت خواهد کرد؛ سپس خودش را معرفی کرد که ضِمام بن ثعلبه است و از قبیلۀ بنی سعد بن بکر.

http://www.sunnah.global/hadeeth/fa/show/65044